

اوکراین، کانون تلاقی تضادهای ذات البینی امپریالیستی

به تاریخ 24 فبروری 2022، امپریالیزم روسیه تهاجم گسترده ای را از زمین، هوا و بحریه خاک همسایه جنوب غربی (اوکراین) خود آغاز کرد. این جنگ ریشه در بحران ساختار سرمایه داری و نتیجه تشدید اختلافات قطب‌های امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان و گسترش مناطق تحت نفوذشان می‌باشد.

بعد از فروپاشی امپراطوری سوسیال امپریالیزم شوروی، امپریالیزم امریکا به عنوان یگانه ابر قدرت جهان حکومت بلامنازح صد ساله خود را اعلام نمود. امپریالیزم امریکا به این باور بود که دیگر کسی نمی‌تواند در مقابل آن به ایستد، به همین دلیل به اروپای شرقی هجوم آورد و به گسترش ناتو پرداخت. هدف اصلی ناتو تحت رهبری ایالات متحده امریکا مهار روسیه بطور مطلق بود. در این مدت ناتو تحت رهبری امپریالیزم امریکا به یک نیروی تجاوزگر و مداخله گر نظامی تبدیل گردید. تجاوز و اشغال‌گری به صربستان، عراق، افغانستان، لیبی، سومالی، سوریه ... بیان‌گر توحش و باور پوچ اشغال‌گران امپریالیست و درراس شان امپریالیزم امریکا به این حکومت صد ساله‌ای بلامنازح شان بود. اما این حکومت بلامنازح و مطلق امپریالیزم امریکا بیش از دو دهه دوام نیافت. امپریالیزم اشغال‌گر امریکا با مقاومت سرسختانه‌ای در این کشورها رو به رو گردید، در این گیر و دار جنگ بی پایان سوسیال امپریالیزم چین از لحاظ اقتصادی چنان رشد نمود که به یک منبع مهم تأمین مالی و سرمایه گذاری برای کشورهای تحت سلطه تبدیل گردید و می‌رود تا برای چند سال دیگر امپریالیزم امریکا را عقب بزند و روسیه در جریان جنگ‌های اشغال‌گرانه امپریالیزم امریکا در افغانستان و عراق و با استفاده از این موقعیت قوی تر گردید و با سوسیال امپریالیزم چین نزدیک تر شد و روابط دوستانه برقرار نمود و در جنگ اشغال‌گرانه در سوریه در کنار حافظ اسد ایستاد، این وضعیت نشان دهنده آنست که امپریالیزم امریکا و متحدانش اکنون نسبت به گذشته ضعیف تر و امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین قوی تر شده اند.

لنین در سال 1915 میلادی در مورد سرمایه داری عالی (امپریالیزم) چنین نوشت «رشد ناموزون اقتصادی و سیاسی، یک قانون مطلق سرمایه داری است.» این موضوع را لنین زمانی بیان می‌کند که امپریالیزم جای‌گزین سرمایه داری ماقبل انحصاری گردیده و تقسیم جهان میان کشورهای امپریالیست پایان یافته است. در چنین شرایطی تزلزل بدن معناست که کشورهای سرمایه داری دیگر بطور موزون رشد نمی‌کند، بلکه کشورهایی که از بقیه کشورها جلو رفته، حالا به عقب رانده می‌شود و کشورهای جدید جایگزین شان می‌گردد و حتی باعث تضعیف و فروپاشی امپراطوری‌های امپریالیستی می‌گردد. این رشد ناموزون اقتصادی بطور اجتناب ناپذیر موجب بروز و تشدید تضادها و بالآخره منجر به برخوردها و جنگ‌ها میان امپریالیست‌ها به خاطر تقسیم مجدد جهان می‌گردد. همین رشد ناموزون اقتصادی باعث جنگ اول و دوم جهانی گردید، امریکا با یک جهش ناگهانی از امپریالیزم انگلیس جلو رفت. همین رشد ناموزون اقتصادی باعث بروز اختلافات شدید میان امپریالیزم امریکا و متحدینش از یک سو و سوسیال امپریالیزم شوروی و متحدینش از سوی دیگر گردید که بر اثر این جدال‌ها بالآخره منجر به جنگ رویاروی در افغانستان و فروپاشی امپراطوری سوسیال امپریالیزم شوروی گردید.

امپریالیزم شوروی با استفاده از وضعیت نابهنجار امپریالیزم امریکا و متحدینش توانست که بر نقاط ضعف خود غلبه نماید و به عنوان یک ابر قدرت در مقابل امپریالیزم امریکا به مقابله برخیزد. حمله امپریالیزم روسیه به اوکراین بیان‌گر تشدید تضاد میان امپریالیزم روسیه و متحدانش (سوسیال امپریالیزم چین) از یک سو و امپریالیزم امریکا و متحدانش از سوی دیگر می‌باشد.

امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین تلاش دارند تا نظم نوین امپریالیستی را در مقابل امپریالیزم امریکا و متحدینش ایجاد نمایند، اما امپریالیزم امریکا و متحدانش تلاش دارند تا نظم کنونی را حفظ نمایند. حمله امپریالیزم روسیه به اوکراین به خاطر ایجاد نظم نوین امپریالیستی است. در این جنگ خانمان سوز فقط بازنده اصلی توده‌های ستم‌کش اوکراینی است. طرح حق حاکمیت اوکراین از طرف امپریالیزم امریکا و متحدانش یک شعار پوچ و بی معناست، زیرا امپریالیزم جز منافع خود حق حاکمیت هیچ کشوری را به رسمیت نمی‌شناسد. به همین ترتیب برای امپریالیزم روسیه نیز استقلال جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک معنا و مفهومی ندارد و فقط در پی تحکیم منافع خود در اوکراین است.

چند روز قبل از حمله روسیه به اوکراین بایدن اعلام نمود که در صورت حمله روسیه به اوکراین نیروهای امریکایی در اوکراین مستقر نخواهند شد. این اعلان در حقیقت چراغ سبزی برای حمله روسیه به اوکراین بود. زمام داران ایالات متحده امریکا خواستند تا آگاهانه پای روسیه را در جنگ اوکراین بکشانند. آن‌ها به احتمال قوی به این نتیجه رسیده اند که در مقابل تجاوز روسیه مقاومت ملی در اوکراین اوج می‌گیرد و روسیه را به چالش می‌کشد و اتحاد ناتو و بخصوص کشورهای اروپایی با امریکا مستحکم تر خواهد گردید، و چین را وادار به تحریم علیه روسیه خواهد نمود. و از طرفی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و هم پیمانانش روسیه را به زانو در خواهد آورد و شکستش حتی خواهد گردید. این که امپریالیزم روسیه بدون تأخیر وارد عمل گردید، به احتمال قوی که پوتین و حاکمان روسی نیز این مسایل را در نظر گرفته باشند.

طوری که شواهد و قراین نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی امپریالیزم امریکا و متحدینش اثرات موثری بالای روسیه نداشته است، زیرا از یک طرف در شرایط کنونی وضعیت اقتصادی روسیه بهبود یافته و یکی از بزرگترین ذخایر مالی جهان را دارا است و از طرف دیگر امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم

چین معاهداتی مانند معاهده شانگهای و بریکس را ایجاد نموده و از این طریق یک ساختار نهاد بین المللی را ایجاد نموده اند که خارج از کنترل امپریالیسم امریکا است. طوری که بیان گردید جنگ در اوکراین بیان گرتناقضات سیستم جهانی امپریالیستی است. با آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین، به نظر می‌رسد نظم کنونی جهان با تهدیدی جدی مواجه شده، تهدیدی که تصمیم به جا به جایی مرزها و تقسیم مجدد جهان با توسل به نیروی نظامی ایجاد گردیده است. یا به عبارت دیگر این وضعیت نشان می‌دهد که نظام جهانی امپریالیستی به سوی چند قطبی شدن پیش می‌رود که کنترل آن از طرف امپریالیسم امریکا غیرممکن است.

بسیاری معتقد بودند با پایان جنگ سرد و چالش میان بلوک‌های غرب و شرق، احتمال وقوع تقابل نظامی گسترده در جهان از بین رفته است، اما آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین پایانی بر این رویا بود و جهان را زیر سایه جنگی برد. این نکته قابل تأکید است تا زمانی که امپریالیسم وجود داشته باشد جنگ اجتناب ناپذیر است. با حمله نظامی روسیه به اوکراین، استونی، لتونی و لیتوانی در منطقه بالتیک و کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان و رومانی نیز به رغم عضویت در ناتو خود را در خطر جدی می‌بینند.

جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر. بنه‌ا هر کشور بنا به مقاصد و اهداف سیاسی که دارد وارد جنگ می‌شود، طوری که قبلاً بیان گردید، امپریالیسم روسیه فقط به خاطر نظم نوین جهانی و تقسیم مجدد جهان و گسترش مرزهای روسیه این جنگ تجاوزکارانه را راه اندازی نموده است. هدف امپریالیسم روسیه از راه اندازی این جنگ این است که رژیم را در اوکراین به قدرت برساند که به جنبش‌های ضد روسی اجازه ندهد تا سر بلند کند و از گسترش ناتو جلوگیری نماید، بر عکس امپریالیسم امریکا تلاش می‌نماید تا روسیه در اوکراین به اهدافش نرسد.

زمانی که اوکراین استقلال خود را از سوسیال امپریالیسم شوروی بدست آورد به بدترین نوع شئونیزم ملی روی آورد و به تبلیغ و ترویج شئونیزم ملی پرداخت. این شئونیزم تا آن جا پیش رفت که زبان روسی و حتی اقدامات فرهنگی و موسیقی روسی نیز در اوکراین ممنوع گردید، در حالی که روسی زبانان در اوکراین خود را اوکراینی می‌دانند یعنی هویت اوکراینی هویتی است که مشمول روس‌ها و اوکراینی‌ها در اوکراین می‌گردد. زبان و فرهنگ روسی نیز برای مردم اوکراین زبان خارجی شمرده نمی‌شود مردم از این شئونیزم بیش از حد رنج می‌بردند و جدا نمودن اجباری این دوزبان را خلاف منافع ملی خود می‌دانند، به همین ملحوظ است که تظاهرات ضد جنگ در روسیه برگزار می‌گردد.

جنگ کنونی در اوکراین هیچ ربطی به منافع توده‌های ستم‌دیده و پرولتاریا ندارد، این جنگ توسط امپریالیسم تجاوزگر روسیه و طبقات حاکمه اوکراین و در رأس آن زلنسکی به عنوان پیاده نظام امپریالیسم امریکا پیش برده می‌شود، بنه‌ا جنگ کنونی جنگی است خلاف منافع توده‌های زحمت‌کش اوکراین، این جنگ زنجیر ستم را بردست و پای زحمت‌کشان اوکراینی مستحکم‌تر خواهد نمود. نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات باید هم دودی و هم بستگی خود را با مردم اوکراین بیان کنند و جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم روسیه و بازی‌های پشت پرده امپریالیسم امریکا و زلنسکی را افشا نمایند و خواهان پایان دادن به این جنگ تجاوزکارانه باشند. در ضمن نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات اوکراین باید پرچم مبارزه مستقلانه خود را علیه این جنگ بلند نمایند و خواهان جنگ انقلابی برای استقرار سوسیالیسم و براندازی کامل نظام طبقاتی باشند

تزلینی در مورد رشد ناموزون اقتصادی که باعث تشدید تضادها و بالاخره منجر به جنگ‌های امپریالیستی می‌گردد به قوت خود باقی است. این تزه خوبی نشان داد که در شرایط کنونی رشد سرمایه داری، زنجیر امپریالیسم در کشورهای که صنعت پیش رفته دارد در هم نمی‌شکند، بل که در کشورهای که عقب مانده اند امکان پذیر اند، همان طوری که در روسیه، چین.. این اتفاق افتاد. امروز هم زنجیر جبهه امپریالیسم در کشوری مثل هندوستان، فلیپین، ترکیه... که پرولتاریا متحد مهی مانند دهقانان در کنار خود دارند امکان پذیر خواهد بود.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خود را متعهد می‌داند که هم صدا با جنبش‌های ضد جنگ امپریالیستی گام بردارد، و تمامی توده‌ها و کارگران را به تقویت فریاد آزادی خواهانه علیه جنگ امپریالیستی فرا می‌خواند.

"کمونیست‌ها قاطع‌ترین مخالفین جنگ‌های غیرعادلانه بوده و باید توده‌ها را به حرکت در آورده و آنان را در مبارزه علیه تدارکات جنگ جهانی سوم که بزرگ‌ترین جنایت در تاریخ نوع بشر خواهد بود، رهبری کنند. مارکسیست - لنینیست - مائوئیست‌ها هرگز این حقیقت را از توده‌ها پنهان نخواهند کرد که: فقط انقلاب و جنگ انقلابی که م-ل-م رهبری آن را به عهده دارند و یا در تدارک رهبری آنهاست، می‌تواند از این جنایات هولناک جلوگیری کند. م-ل-م‌ها باید امکانات انقلابی که به سرعت در حال رشد اند از دست نداده و توده‌ها را در ارتقاء مبارزات انقلابی در تمام جبهه‌ها رهبری کنند - جنگ انقلابی را در هر نقطه ممکن شروع نمایند و در جایی که هنوز شرایط برای اقدام به چنین جنگی حاضر نیست جریان تدارک آن را تشدید نمایند. از این طریق مبارزه برای کمونیسم پیشرفت کرده و پیروزی پرولتاریا و خلق‌های تحت ستم، تدارکات کنونی امپریالیست‌ها را برای جنگ جهانی در نبردهای تعیین کننده در هم ریخته، حکومت طبقه کارگر را در تعدادی از کشورها مستقر نموده و اوضاع عمومی ای در جهان ایجاد خواهد گردید که به حال پیش‌رفت مبارزه انقلابی مساعدتر باشد. از طرف دیگر، اگر مبارزه انقلابی قادر به پیش‌گیری از جنگ جهانی سوم نباشد، کمونیست‌ها و پرولتاریای انقلابی و توده‌ها باید آماده به حرکت در آوردن غلیانی که ناشی از این

جنگ ورنج هابی که ناگزیر هم‌راه آن خواهد آمد، بوده و آن‌را علیه منبع جنگ یعنی امپریالیزم متوجه ساخته و از موقعیت تضعیف شده دشمن سود جسته و از این طریق جنگ ارتجاعی امپریالیستی را به جنگ عادلانه علیه امپریالیزم و ارتجاع مبدل سازند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

9 حمل 1401 خورشیدی

29 مارچ 2022 میلادی

www.cmpa.io

sholajawid2@hotmail.com